

کمال اخلاص (ادمکنیسترن بیز بجزت  
سدب بجز برق بینیه بدان بجزت است  
(آشیان)

*longues semaines voulant tenir dans cette circonscription nous en donnons une nouvelle partie en appuyant auprès du Gouvernement de l'Inde, Royale la permission de cette compensation et en demandant à la Banque de l'Inde une somme nécessaire pour nous venir à manquer de nos dépenses dans que j'ai l'honneur de lui exposer plementant l'intérêt auquel il existe, à la renommée de ma très hante cause dévouée.*

سند شماره ۳۶ - قمت چهارم - نامه آرنسن

نامه حاجی میرزا حسن آشتیانی به اتابک (امین‌السلطان) در این نامه حاجی میرزا حسن از شاه و اتابک اظهار امتنان نموده و دولتخواهی خود را بقلم آورده و ظاهراً این نامه پس از لغو قرارداد رژی نوشته شده است.

عرض حضرت مستطاب اجل اعظم عالی دام اجلاله

اجناب حاجی ملک التجار، همان قسم که فرمایشات حضر تعالی را کاملاً ابلاغ نموده بالطبع عرایض داعی را هم کاملاً عرض رسانده است.

اگر چه به همان بیانات ایشان کمال استظهار حاصل شده لکن بعد از ملاحظه رقیمة کریمه حضر تعالی مراتب استظهار و امتنان داعی افزود و محض رعایت آداب لازم دیدم که کتاباً هم مراتب خلوص را عرض رسانده تأکیداً عرضه دارد که بصاحب شرع اقدس که این داعی دولت ابد مدت هیچ وقت را از دعای ذات اقدس ملوکانه غفلت نورزیده و نخواهد تغافل نمود، چگونه تغافل می شود و حال آنکه دعای وجود مبارک را بر خود و قاطبه اهل اسلام خاصه سلسله جلیله علماء واجب می داند و از شخص محترم جناب عالی هم همه وقت کمال امتنان را داشته و دارم و باید وجود حضرت عالی مستحضر باشند و همیشه مذاکره می نمودم که حضرت عالی یک نوع اختصاص و امتیازی نسبت بوزرای سابقین ولاحقین داشته و همانطور که حضرت عالی مقرر

فرموده که اعتنا به شباهات ارباب غرض نشود داعی هم استدعا کند که از این جانب هم همینطور معمول شود و اگر شبیه نمایند بتوسط رقمیه یا جناب حاجی ملک التجار که معتمد حضرت عالی ومحل وثوق داعی هستند اعلام فرموده تا در تدارک آن برآید و الله جماعت که در این دو روزه بمسجد نرفته بودند بهمه ایشان اطلاع داده که بمسجد رفته بعد از ادائی فریضه واجبه بفریضه دعاگوئی وجود بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاه اسلام پناه ظل الله خلد الله ملکه و دولته قیام و اقدام نمایند. زیاده عرض نیست. ایام جلالت مستدام پشت کاغذ محل مهر، (سند شماره ۳۷)

**تلگراف حاجی شیخ فضل الله نوری مجتبد به حاجی میرزا حسن شیرازی برای برداشتن تحريم دخانیات**، این تلگراف توسط وکیل الدوله و تلگرافخانه کرمانشاه مخابره شده است.

با تسویه جناب وکیل الدوله دام مجده - خدمت حضرت مستطاب حجۃ الاسلام والملین ادام الله ظللله العالی عرض می شود که چون سابقاً بحسب حکم از حضرت مستطاب عالی که سمت انتشار یافت در نهی استعمال دخانیات بمجرد استماع عامه مسلمین اطاعت نموده و بكلی ترک نمودند و فعلانیز متروک است، از آنجا که ذات اقدس همایون اعلیحضرت قادر قدرت شاهنشاه دین پناه اید الله شوکته و دولته همواره در تشیید قواعد دین مبین کمال اهتمام و بذل جهد میفرمایند بتوسط حضرت مستطاب اجل اشرف وزیر اعظم آقای امین‌السلطان و کفایت ایشان محض استدعای حضرت عالی و رعایت عموم رعایای ممالک محروسه ایران رافت و مرحمت فرمودند امیاز انحصاری که به خارجه مرحمت شده بود موقوف و ید خارجه را از تصرف دخانیات از داخله و خارجه کوتاه و مسلوب الاختیار فرموده و حسب الامر القدس اعلانات شافیه بعموم رعایا شد که با کمال امیدواری بمراحم ملوکانه بدعاگویی و کسب تجارت خود کمافی السابق من غیر تفاوت مشغول باشند و سابقاً بنحو اختصار تلگراف شکرانه عرض شده بود چون فعل اعلان رفع مانع بكلی شده و بالمره امیاز برداشته و امر بعد خود کما هو حقه رسیده مستدعی از حضرت عالی آنکه بعبارت صریح واضح بعد از تشکر از مراحم ملوکانه اجازه فرمائید که خلق مشغول استعمال دخانیات کمافی السابق باشند و از مکاسب خود باز نمانند و مشغول دعاگویی بسلامتی ذات اقدس همایون شاهنشاه دین پناه متع الله المسلمين بطول بقائه و دولته باشند و این عرایض صادقانه از احقر فضل الله نوری است به نشانه و علامت تقویض و کالة مطلقه در امر عبادات مرحوم حاجی محمد علی اصفهانی شهیر به تاجر شاهروdi. فوریت جواب لازم مهر تلگرافخانه مبارکه کرمانشاه بتاریخ





نوع	البيانات	البيانات	البيانات	البيانات
تحصي	ناتج اساليب	ناتج اساليك	ناتج اساليك	ناتج اساليات

مکانیک بگزیده و میر، مادر خوش اخلاق ترین بیوی، بیوی خوب و خوبه  
خواست که هر آنکه کارست نیز بیوی و نیز همیشه کار است از این پس میتواند از  
بیوی خوب و خوبه بگزیده و بگزیده و بگزیده و بگزیده و بگزیده و بگزیده  
خواست که هر آنکه کارست نیز بیوی و نیز همیشه کار است از این پس میتواند از  
بیوی خوب و خوبه بگزیده و بگزیده و بگزیده و بگزیده و بگزیده و بگزیده  
خواست که هر آنکه کارست نیز بیوی و نیز همیشه کار است از این پس میتواند از  
بیوی خوب و خوبه بگزیده و بگزیده و بگزیده و بگزیده و بگزیده و بگزیده

سند شماره ۳۸-نامه حاج شیخ فضل الله نوری به حاجی میرزا حسن شیرازی



نام	عنوان	تاریخ امدادگاری	امدادگار	مسوده
امدادگار	امدادگار	ردیف شماره	ردیف شماره	ردیف شماره
۲				

وَكُلُّ مُبْرِزٍ فِي الْأَنْتِيَمِيَّةِ مُسْتَعْدِيٌّ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ  
وَكُلُّ مُبْرِزٍ فِي الْأَنْتِيَمِيَّةِ مُسْتَعْدِيٌّ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ  
وَكُلُّ مُبْرِزٍ فِي الْأَنْتِيَمِيَّةِ مُسْتَعْدِيٌّ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ  
وَكُلُّ مُبْرِزٍ فِي الْأَنْتِيَمِيَّةِ مُسْتَعْدِيٌّ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

سند شماره ۳۸ - تلگراف حاج شیخ فضل اللہ نوری (قسمت دوم)

## دستخط ناصرالدین شاه

جناب امین‌السلطان: امتیاز دخانیات داخله که چند روز قبل موقوف شده بود این روزها که امتیاز خارجه را هم موقوف فرمودیم و کلیه این عمل به طرز سابق شد حالا به تمام علماء و حکام و مردم اطلاع بدھید که مطمئن باشند و به تمام رعایا حالی نمایند. (۱۳۰۹)

### صورت دستخط ناصرالدین شاه

جناب امین‌السلطان و نایب‌السلطنه ملاحظه کرده فوراً مجری دارد. لازم است نایب‌السلطنه و جناب امین‌السلطان و سایر وزراء محترم دولت این یادداشت ما را ملاحظه کرده برای تجار معتبر و غیره و تجار معتبر تباکو فروش فرائت نمائید.

حکمی که پادشاه و دولت می‌کند او را خود دولت لازم الاجراء می‌داند و هر حکمی که می‌کند چه در داخله و چه در خارجه از روی خدعا و اشتباه نخواهد بود یک وقتی مقتضی شد عمل دخانیات را به کمپانی انگلیس بدهند و دادند. چندی بعد مقتضی شد عمل دخانیات را به کمپانی انگلیس بدهند و دادند. چندی بعد مقتضی شد که آن امتیاز را از کمپانی بگیرند و گرفتند. اعلان دولتی هم نوشته و به همه انتشار داده شد که این عمل از کمپانی گرفته شده است علاوه بر این خود کمپانی انگلیس هم اعلان نوشته که دولت ایران این امتیاز را از من پس گرفت و کفید از من شد. هر کس در طهران یا ولایات دیگر تباکوئی به من فروخته است باید پول خود را بدهد و تباکو را پس بگیرد و به همه معابر چسبانیده و همه مردم را مطلع و مستحضر کرد که این امتیاز از من خلع شده است با وجود این همه توضیحات و اسناد و احکامی که صادر شد در نسخ و ابطال این قرار نامه‌های دخانیات با کمپانی کمال تعجب دارم از این که باز می‌شنویم در میان مردم و تجار و غیر ذلك اشتباهی در این فقره حاصل است که رفع دخانیات نشده و اگر شده باشد موقتی است. اولاً معلوم است که این انتشارات را اشخاص مفسد رذل که بدخواه دولت و ملت هستند می‌دهند و این ارجایف و اقوال مجعلوں اعتنایی نکند، بلکه بر همه اعالی و ادنی و بر همه نوکرهای رعیت‌های دولت خواه صادق صمیمی لازم و واجب است که بعد از این از هر شخص مفسد مغرض که این حرف‌ها را بشنوید یا اعلانی بنویسند و نصب نمایند و او را ببینند گرفته به حکومت تسليم نمایند که آنها را تنبیه شایسته نمایند. چرا که این نوع شهرت‌های بی معنی مفسدۀ انگیز باعث ناامنی تجار و کسبه و رعایا بر تمام اهالی مملکت و اهل طرق و شوارع شده و کسب و تجارت از میان خواهد افتاد و آن وقت دولت لابد می‌شود که برای نظم امور جمهور تشدیدات فوق العاده به ظهور برساند و خود شخص رئیس دخانیات البته نمی‌تواند بعد از موقوفی مجددًا دخیل امور دخانیه بشود. بقای این

شخص رئیس دخانیات عجالة در طهران برای این است که محاسباتی که با مردم دارد مفروق و ادعای مخارجی که در این امور کرده و با دولت دارد قرارش را داده و کار خود را تمام کرده راهش را بگیرد از این دولت برود و این هم البته یک دو ماهی طول دارد که کارش تمام شده آن وقت برود از آن طرف رئیس تباکو در تمام شهرها و بلاد ایران مامور و عملجاتی که برای انجام این کار داشت چه از فرنگی و چه از ایرانی تماماً را متفرق و احضار و جواب داد. چنانچه یک نفر در دولت و بلاد ایران از این اشخاص نیست و اگر در جائی باشد و کسی مطلع است به عرض برساند تا دولت او را خارج نماید و باز هم تکرار می‌کنیم که این کار بالمره خارجاً و داخل متروک و موقوف شده دائمی است و ابدآ موقتی نیست و این امتیاز را بعد از این دولت به احدی از تجار خارجه و داخله نخواهد داد تمام آسوده و مطمئن باشند (صحه همایونی و دستخط).

تمام این یادداشت به حکم و فرمایش ما است که در این ورقه نوشته‌اند و مواردی از این فرمایشات را ملک التجار برداشته به همه جا منتشر نماید.

پطرز بورغ - به علا، الملک رمز شود.

از رئی داخله ایران را موقوف کردیم زیرا که خیلی اسباب فساد شده بود و لازم بود عوض شود، قرار گذاشتم بر گمرک تباکو افزوده سال بسال گرفته بكمپانی عاید داریم ولی اخراج بخارجه فقط حق او خواهد بود و بسفره همیشقدر اعلام کردیم که مونوپل اخراج تباکو از ایران بعد از این مخصوص دولت است و گویا از هیچ سفارتی هم غیر از سفارت روس جواب رد نخواهد رسید، اگر آنها هم اظهار کردند جواب حسابی داریم و خواهیم داد، امیرنظام بحکومت کرمانشاهان و کردستان منصوب و چند روز قبل روانه شد و رفت آسوده باشید - امین‌السلطان.

پس از لغو قرارداد بدستور ناصرالدین شاه به تمام سفر و نمایندگیهای خارج از کشور جریان امر اطلاع داده شد.

**پیشنویس** تلگراف رمز اعلام لغو قرارداد «رئی» است که با خط امین‌السلطان و امضای او تنظیم و به سفیران ایران مقیم پایتخت‌های مهم جهان مخابره شده است.

این مطلب بهم اینها رمز شود، برلن «مؤید‌السلطنه» - پاریس «نظرآقا» - لندن «علاه‌السلطنه» - پطرز بورغ «علاه‌الملک» - اسلامبول «ناظم‌الدوله» - تفلیس «معین‌الوزاره»، مسئله تباکو و رزی که برخلاف میل و رضای عموم اهالی شد و رفته شکایت مردم زیادتر و اسباب دردرس می‌شد، بعد از مذاکرات لازم با حسن فطرت و خوش نفسي «سر فرانگ لاسلس» وزیر مختار جدید انگلیس

لغزندگی  
سهر کنگره ایران

لر در دو قسم ام ازان لور گرفت کدم در راه صور را  
 دلهم یو عصر نو دلکه ششم بر کر زیارت را صال اللہ که همان را  
 کلام دل رفیع کارمه نعمت من ادیب یو دل زین عصر را  
 حکیم لفونج ها نزد اردن نزد روح تقدیر کے دل زیارت  
 غیر لذت را که دل خوب نزد کنده سر را (زیارت) ره کرد  
 عید حرام حکیم ندو سر قام گرفت  
 مصطفی دیلم روز دلکه نزدیکی و اوقات کنده آنها

سند شماره ۳۹ - پیش‌نویس تلگرافی است با خط و امضای «امین‌السلطان» که پس از لغزندگی  
 داخلی دخانیات به «امیرزا محمود‌خان علاء‌الملک» وزیر مختار ایران مخابره شده است.

که خیلی موافقت نمود فسخ و موقوف شد و حالا مشغولیم که خسارت کمپانی را حساب نموده بدهیم برود. اتفاق تازه‌تری که افتاده این است که پریروز یک مفسد شیطانی که هنوز معلوم نشده شبانه درب خانه علماء افتاده و به آنها گفته بود که دولت حکم کرده است فردا تمام علماء را گرفته از طهران بیرون کنند، علماء هم وحشت کرده مردم هم بقدر دو سه هزار نفر از طلاب و کسبه اجتماع کرده بودند که نگذارند علماء را ببرند، بقدر سه چهار ساعت این اجمعان و هیاهو بود تا اینکه رفع این اشتباه را نموده مردم شاکر و دعاگو متفرق شدند، و چون یکدسته از این مردم با یکدسته از سربازها برخورده پسرارت می‌خواستند داخل منزل نایب‌السلطنه شوند، سرباز قراول مجبور به شلیک شده دو سه نفر از آنها را مقتول و مجروح نموده باقی متفرق شده و عائله بکلی رفع شد و هیچ نقلی نبوده و نیست، محض اطلاع نوشته شد که اگر غیر از این شهرتی برسد دروغ است. امین‌السلطان نامه ایست که از طرف دولت ایران در باب خسارت به رئیس اداره دخانیات نوشته شده مقرب الخاقان مسیو آرنستین رئیس اداره دخانیات را زحمت می‌دهد.

مراسله مورخ ۲۹ جمادی‌الثانی ۱۳۰۹ آن مقرب الخاقان به انضمام یادداشت‌های راکه نوشته بودید صورت خسارت و منافع آن اداره است واصل گردید و به ملاحظه اولیای دولت علیه رسید و به نظر دقت ملاحظه شد ولی بعد از ملاحظه چنانکه خود آن مقرب الخاقان هم نوشته‌اند معلوم شد که این یادداشت‌ها برای خسارت در منافع آن اداره است و حال اینکه صورتی راکه اولیای دولت علیه ایران خواسته بودند و می‌خواهند ملاحظه نمایند صورت خسارت مخارج آن اداره است، چنانکه در کاغذ مورخ ۴ جمادی‌الثانی ۱۳۰۹ هم اظهار شده است.

لهذا جواباً زحمت اظهار می‌دهد چون این امتیاز نامه به مقتضای وقوعات فوق العاده که خود شما و همه کس کاملاً اطلاع دارید و می‌دانید مجبوراً بر هم خورده است، خسارت منافعی بر ذمہ دولت تعلق نمی‌گیرد و دولت ایران فقط محض کمال حق گذاری حاضر است که صورت مخارج حقه کمپانی راکه در این کار به مصرف رسانیده و متضرر شده است ملاحظه و دقت نموده قرار آن را بدهند، خواهشمند است که صورت مذبور را زودتر ارسال دارند که ملاحظه شود فی ۴ شهر رب

معتبرینه و رسیده رسانی خواهد داشت (در اینجا)  
 هر سه زیرزم و ممکن است ۱۳۰۰ و آن معتبرینه ۱۳۰۰ ششم آغاز  
 هر درست خود رت نزدیک آن انداد است و هر روز دو ساعت دارد  
 و بیله دقت خوب نمایند و هر روز خواهند نیز خواهند شد  
 مسلم نه روانی همچنانه عبارت نزدیک آن انداد است  
 هر روز از صد و هشت بیان و هشت بیان و هشت بیان  
 هر روز متعاقباً آن انداد است پس در کاخ نه مردم هر روز  
 از این انداد نیز نهاده شد و تازه قدر زده و میراث  
 این انداد را متعقب بر قرار داشت و نه همان  
 حوزه اندادی که حد داشت دلایل و دلایل  
 مکرر از هر چهارم هزار دست انداد  
 مزدیسه و مزدیسه  
 روح است از این انداد

سند شماره ۴ - نامه امین‌السلطان که از طرف دولت ایران در باب خسارت به  
 رئیس اداره دخانیات نوشته شده و امضای نایب هم در ذیل آن دیده می‌شود.

## استقرار ارضی از دول خارجی و دادن امتیازات

### استقرار از دول خارجی و دادن امتیازات

موضوع دیگری که باعث عدم رضایت مردم گردید، قرض گرفتن از کشورهای انگلیس و فرانسه و روسیه بوده است که به عنوان وثیقه عایدات گمرکات شمال و جنوب در اختیار آنها گذاشته می‌شد و دیگر دادن امتیازات مختلف.

در سال ۱۳۰۵ دولت ایران می‌خواست برای پرداخت خسارت کمپانی رزی مبلغ ۵۰۰ هزار لیره از بانک انگلیس وام بگیرد ولی به علی این کار انجام نگرفت و روسها از این موقعیت استفاده کردند و با تقاضای ایران برای گرفتن وام موافقت نمودند.

### وام از روسیه

امین‌السلطان صدر اعظم وسائل سفر مظفر الدین شاه را به اروپا فراهم کرد و برای تامین مخارج سفر شاه و همراهانش از دولت روسیه تقاضای وام کرد. آن دولت بواسیله بانک استقراضی مبلغ وام مورد تقاضای امین‌السلطان را پرداخت (۱۳۱۸ قمری مطابق با ۱۹۰۰ میلادی)

مبلغ وام  $\frac{۲۲}{۵۰۰} \times ۱۰۰۰$  میلیون ریال با ربع٪ ۵ و قسط سالانه آن بابت اصل و فرع  $\frac{۲۸۸}{۱۵۶}$  میلیون ریال بود، گمرکات ایران به استثنای گمرکات بنادر خلیج فارس درگرو این وام بود و از شرایط وام این بود که درآمد گمرکات بایستی به بانک استقراضی روس در تهران داده شود، درصورتی که ایران عایدات گمرکی را به بانک روس نپردازد دولت روسیه گمرکات را زیر نظارت خود قرار خواهد داد. برای تهیه مقدمات سفر دوم مظفر الدین شاه به اروپا، بار دیگر امین‌السلطان از دولت روسیه تقاضای وام کرد و در سال ۱۳۲۰ قمری مبلغ دو میلیون میلیون ریال به وسیله بانک استقراضی روسیه، قرض گرفت این وام اول می‌باشد هرسال ۱۳۲۰ قمری (۱۹۰۴ میلادی) برای پرداخت ایران می‌باشد وام معادل  $\frac{۹}{۵۴۱} \times ۸۰۰$  قران (ریال) به روسیه بپردازد.

### وام از انگلستان

رقابت سیاسی و اقتصادی روس و انگلیس باعث گردید که در سال ۱۳۱۸ قمری (۱۹۰۰ میلادی) دولت انگلیس بنا بر تقاضای ایران با شرایط زیر  $\frac{۲۸۱}{۳۱۴} \times ۳۱۴$  لیره انگلیس به ایران وام بدهد.

شرایط:

ربع سالانه ۰.۵٪ و مدت ۱۵ سال

قسط استهلاک سالانه از بابت اصل و فرع ۳۰۲۷۸ لیره خواهد بود.

مبلغ قرضه و استهلاک آن از عایدات شیلات بحرخزر و عایدات پستخانه و تلگرافخانه و درآمدگمرکات بنادر خلیج فارس تامین خواهد شد<sup>(۱)</sup>

شاه با اتابک و عده دیگر به اروپا رفتند و بیشتر پولی که وام گرفته بودند در سفر اروپا خرج کردند که مورد عدم رضایت مردم قرار گرفت و همه امین‌السلطان را مقصو می‌دانستند.

فخرالواعظین کاشانی قصیده‌ای درباره اتابک سروده که چند بیت آن نوشته می‌شود:

به کف کفر مده سلطنت ایمان را	ارمنی زاده میازار مسلمانان را
پس چه حاجت که به افلک کشی ایوانزا	عاقبت خانه ظلم توکند شاه خراب
پاک از لوث وجود توکند بستانزا	داس غیرت چو شود در کف ملت ظاهر
کاین سیه کاسه در آخر بکشد مهمانزا <sup>(۲)</sup>	کاسه لیسی تو از روس ندارد ثمری

استاد مربوط به استقراض از کشورهای فرانسه و روسیه و انگلستان برای اطلاع در ضمیمه است.

### دستور ناصرالدین شاه به امین‌السلطان در خصوص گرفتن وام از فرانسه

«جناب امین‌السلطان - یادداشتی اعتماد‌السلطنه از قول «بالوا» سفير فرانسه فرستاده بود ملاحظه بکنید بهتر این است فوراً بالوا را بخواهید و ملاقات کرده با او حرف بزنید شاید همین‌طور که گفته است صرافان فرانسه با شروط سهولتر این تنخواه را قرض بدهند، البته اگر یک شاهی هم کمتر منفعت بگیرند بهتر است، به بالوا این‌طور بگوئید که بانک انگلیس درصد هشت تنزیل می‌خواهد و شروط بد مگوید مثلاً از اصل قرض هم **فلان** قدر می‌خواهد ندهد و شروط بد دارد، ما راضی نیستیم از او قرض بکنیم، شماها بچه شرط قرض می‌دهید؟ به بینید چه می‌گوید، البته اگر ذره‌ئی صرفه دولت در قرض کردن از فرانسه‌ها باشد البته از آنها قرض بکنید خیلی خیلی بهتر است که از بانک شاهنشاهی قرض بکنید، اگر نوشته دیروزی را هم داده باشید به سفارت انگلیس که نوشته شده است از بانک انگلیس قرض خواهیم کرد، برای برهم زدن آن هزار بهانه می‌توانید در سخنی شروط و زیادی تنزیل

۱- ایران در دوره سلطنت قاجار - علی اصغر شمیم ۲۲۰

۲- تاریخ مشروطه ایران، احمد کسری ص ۲۴-۲۵

بمیان بیاورید، عجالتاً با «بالوا» امروز البته حرف بزنید و تفصیل را بعرض برسانید.<sup>(۱)</sup> سند شماره ۴۰/۱

### نامه سفارت انگلیس به رئیس‌الوزراء (امین‌السلطان)

سفارت انگلیس - طهران - ۲۱ عقرب ۱۳۰۱ - آقای رئیس‌الوزراء محترماً خاطر جناب اشرف را مراجعه می‌دهد بمراسله خود مورخه ۶ - اکتبر گذشته در خصوص بدھی دولت ایران بدولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان.

«نهایت افسوس را دارم که باید اظهار نمایم که بمراسلات دوستدار بعنوان جناب اشرف در اینخصوص جوابی داده نشده است و ظاهراً بکل اثری از آن مرتبت نیست و مجبورم خاطر محترم را از اهمیت انجام فوری این مسئله متذکر سازم.

فقط چند روز قبل با نهایت بی میلی مجبور بودم که خواهش وزیر مالیه را برای اینکه مجدداً و موقتاً اضافه عایدات گمرکات (در عوض وثیقه که سابقاً برای تأديه پولی که دولت ایران از بانک شاهنشاهی برای تحصیل گندم جهت احتیاجات اهالی طهران قرض نموده بودند و پیشنهاد و قبول شده بود) برهن گذارده شود رد نماید.

نظر بدلاطیلی که مکرراً برای جناب اشرف اقامه نموده‌ام این امتناع از طرف دوستدار نمی‌تواند چندان اسباب تعجب شده باشد. در واقع جناب اشرف باستی متظر باشند که برای صبر و تحمل طولانی دولت دوستدار حدی می‌باشد. دولت مشارالیها سابقاً در دو مورد بطور استثناء رضایت داده بودند که موقتاً فاضل عایدات گمرکات را برای وثیقه مساعده‌هائی که جهت مصارف فوری لازم بوده و اگذارند، لهذا مجدداً اظهار می‌نمایم که جناب اشرف مسئله این قرض معوقه را در تحت توجه دقیق خود درآورند که بدون بیش از این تعویق، این مسئله صورت انجام باید - موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه خود را تجدید می‌نماید. (امضاء پرسی لون)» (سند شماره ۴۱)

۴۰- نهاد، ۱/۴۰- دستخطه. این از ناصم الدین شاه درباره استقرار ارض از صرافان فرانسه

## یہ اسی پر داخت خارت کمپانی ڈری

سر برادر

امیر

British Legation,  
Tehran,  
13th November, 1922.

Monsieur le Président du Conseil,

I have the honour to refer Your Highness to my note dated October 6th last concerning the outstanding debt owing by the Persian Government to His Majesty's Government.

It is a cause of profound regret to me to have to state that my letters on this subject to Your Highness remain unanswered and quite unproductive of any visible result, and I cannot help impressing again on Your Highness the importance of a prompt settlement of this question.

Only a few days ago I was under the painful obligation of refusing to the Minister of Finance a further temporary lien on the surplus Customs Receipts in order to replace the security already offered and accepted for the repayment of money borrowed by the Persian Government from the Imperial Bank of Persia for the provision of wheat for the needs of the Tehran population.

In view of the arguments which I have put repeatedly before Your Highness

His Highness Agha-Sultanzadeh,  
President of the Council and  
Minister for Foreign Affairs.

می تباید روزی این سفارت مسخره باشند  
تبریز است اینچه پیشتر برخیرند  
که بود مرکز گمرکات، داشتند. درین  
وقایت، پیش از آنکه این مورد را در  
آنکه کوچک شوند و بتوانند این مورد را  
با ملکه قریش مسدود نمایند، به دیده  
که این مورد را درین موضع میگردند  
نه کافیست، بلکه باید این موضع را  
که بود مرکز گمرکات، داشتند.  
پس از این موضع را درین موضع را  
نه کافیست، بلکه باید این موضع را  
که بود مرکز گمرکات، داشتند.  
آنچه میگذرد این موضع را درین موضع را  
نه کافیست، بلکه باید این موضع را  
که بود مرکز گمرکات، داشتند.

Peaceful

this refusal on my part can have caused  
little surprise. Indeed Your Highness  
must have expected that there was after  
all a limit to the patience and long  
suffering of my Government which already  
on two previous separate occasions had  
consented as an exceptional measure to  
the temporary estimation of the surplus  
Customs Revenue to serve as security  
for advances required for very urgent  
purposes.

I therefore beg leave again to  
express the hope that Your Highness will  
give the matter of this outstanding  
debt the most earnest attention so that  
a settlement of this important question  
may be reached without further delay.

I avail myself of this opportunity  
to renew to Your Highness the assurance  
of my highest consideration.

Peaceful

نامه‌ای است از سفارت انگلیس یا امایی «سریرس ارن» وزیر مختار راجع باختلاف  
مایدات گمرک جنوب ایران که در وینه واهی مساعدة در باقی از باشکوهانی بوده  
است - مخاطب ماهه مؤتمراً اللطفه میباشد .

نند شماره ۴۱ - نامه سفارت انگلیس در خصوص بدھی ایران (قسمت دوم)

## تلگراف ارفع الدوله

### تلگراف میرزا رضاخان ارفع الدوله وزیر مختار ایران در روسیه

#### درباره نخستین و امکوایی مظفر الدین شاه از دولت روس

استخراج تلگراف رمز از پطرزبورغ - حضرت مستطاب اجل اشرف ارفع امجد اکرم افحتم  
صدراعظم، مضمون تلگراف غرة رمضان حضرت اجل اشرف اعظم را به وزیر خارجه بیان کرد،  
معزی‌الیه گفت حاضریم تمام گمرکات ایران را رهن برداریم، از انگلیس ترس نداریم، مطلبی را که آن  
روز گفتم برای این است که اسباب زحمت دولت ایران نشود. گفتم باید در این فقره منتظر جواب  
تلگراف رمز آخری بشویم. تصدق حضور مبارکت شوم به اعتقاد چاکر ابدأ صلاح نیست دولت همه  
گمرکات را نزد روسها رهن بگذارد، صحیح است روسها از منافع انگلیس منتفع بشوند گمرکات را هم  
رهن بگیرند آیا صلاح است که در روز انگلیس را رنجانید. رقابت دو دولت را که اسباب خلاصی  
ایران است خودمان مرتفع بکنیم(؟) آیا محتمل نیست که انگلیس بعد از فراغت از محاربه عساکر  
خود را مثل عساکر آلمان مرتب... را از دولت ایران قصاص نماید درصورتی که فدوی با زحمت  
روسها را راضی کرده است که شصت میلیون و بیضمانت سایر گمرکات بدھند، چه اصراری است که

بدست خودمان دشمنی مثل انگلیس برای خودمان بتراشیم کلید بنادر را دست روسها بدھیم، شاید چاکر نمی فهمد مطلب و سری دیگر است منتظر جواب این تلفگراف هستم - رضا ۳ رمضان ۱۳۱۷ (سنده شماره ۴۲)

### «میرزا رضا خان ارفع الدوّله»

وزیر مختار ایران در ۲۸ رمضان امضای قرارداد را ضمن تلگراف رمز چنین گزارش داده است.

«حضرت مستطاب اجل اشرف ارفع امجد اکرم افخم صدراعظم - بعداز یکسال دوندگی و جان کنند و زحمات فوق طاقت که چاکر را بکلی ضعیف و علیل کرد تفضل خداوندی شامل شد، بعون الله تعالى و به یمن اقبال بیزوال همایونی و دستورالعمل حضرت اجل اشرف اعظم امروز بامضای قرارنامه و سنده شصت ملیون فرانک موفق شد و حواله تلفraphی پنج ملیون را بیانک طهران گرفت و عمل استقرار ختم شد، خدمت بزرگی بدولت علیه کرده باعتقد روس هم خدمت تمایان و فوق العاده کرده الحمد لله کارها بنحو دلخواه صورت گرفت، حال دیگر وقت ظهور مرحمة است، استدعا دارد خدمات چاکر را بعرض خاکپای همایون ارواحنافاده برسانید، امیدوار است که خدمات ناقابل خانهزاد دولت جاوید آیت در خاکپای مبارک اقدس روحنافاده مقبول افتاد، زیرا که تاکنون احدی باینخدمت موقن نشده بود، یقین است التفات بزرگ و توجه مخصوص خواهد فرمود. رضا - ۲۸ رمضان ۱۳۱۷.»<sup>(۱)</sup> (سنده شماره ۴۳)

### نامه از «حسنعلی نواب» به «امین‌السلطان»

درباره قرضه اول مظفرالدین‌شاه، که نکات حساسی را حاوی است و دلیل عدم موقیت و موانع مذاکرات قرضه را در انگلستان حکایت می‌کند.

«۱۰ شوال ۱۳۱۶ - قربان حضورت روم - دو روز قبل «جنرال گاردن» را ملاقات کرد و بسیار از ایران و نیز در باب استقرار مذاکره نمود و گفت پس از مراجعت از ایران بر حسب خواهش حضرت اشرف باز در اینجا در مقام استفسار برآمده بلکه استقرار بی اینکه گمرکات خلیج فارس بدست آنها باشد بشود، می گفت تجار قبول نکردند و بلا تصرف گمرک پول نمی دهند و همین مطلب را تلگراف

بحضرت اشرف نموده است، حقیر اشاره بحسینقلی خان کردم که خودش رفته و رئیس مدیر آن بانک را که حالا استعفا از این کار داده و یکی از اجزاء پارلمنت شده است بهبیند و در این باب مذاکره نماید، حسینقلی خان چهار روز قبل این شخص را دیده بود و در ضمن صحبت در باب استقراض گفتگو کرده بود و آن شخص جواب داده بود که کسی این استقراض را بی تصرف گمرکات نمی دهد.

۶۰. فهد عزیز میخواست در برابر خود را  
هرگز نمیتوانست بگویند که این خود را  
نمیتوانست بگویند که این خود را  
هرگز نمیتوانست بگویند که این خود را  
نمیتوانست بگویند که این خود را  
این از این مردم را نمیتوانست بگویند که این از این مردم را  
بدهد بخت داشت و این نوشته گفته بود: «درینه ملکه ایشان بخواست هزار پسر  
شونم صدق خواهد گرفت» این تحدید پس از صدق خواست هزار پسر  
پس از کلات را نزد درینه بین گذاشت و درینه بخواست را نهاد -  
پس: «شیخ نبیر کلات را درینه بگذارد و مصوحت است»  
درینه پس: «ربایه را بخواست ام بباب خدا من از خود  
خود را میخواستم ایا میتوانستم» پس درینه بخواست از خود چهار

غذار شد که آمان رفت — — —  
زده است ایدان فضامن غور صورت نمایند و بزرگیست در هر را  
در هزار کرد و است بیشتر میون بعثات سایر کلاته ها  
چه اصرار است ه بیشتر خودان دشمن شدند بلطفی سایر خواران پیش از  
کسی پنهان در دست می روند و هم نمایند علاوه بر همه طبیعت سایر کل

حسینقلی خان باو گفته بود که محض خیرخواهی و بقاء و ثبات بانک شاهنشاهی بشما می‌گوییم که اگر این استقرارض بدون تصرف گمرکات نمی‌شود بهیچوجه برای بانک خوب نیست که مداخله در عمل استقرارض نمایند، چراکه اگر بنا شود گمرکات خلیج فارس را رهن و بتصرف بخواهید بلاشک مردم ایران گمان کنند که دولت مملکت خود را بانگلیس واگذار کرده و طبعاً نفرت بیندا خواهند کرد. از آنطرف دولت ایران که واقع ورشکست نشده که نتواند استقرارض یکدو میلیون را اداده نکند، و تجار انگلیس اگر مایل بدادن قرض هستند باید غیر از قانون تجارتی، تجاوز بعمل پلیتیکی نمایند، آن شخص تصدیق نصایح حسینقلی خان را کرده بود و پس از گفتگوی زیاد گفته بود که یک راه دیگر بنظر من می‌آید که اگر این اقدام را دولت ایران نمایند محتمل است که تجار انگلیسی راضی شوند و اطمینان نمایند، و آن این است که یک مجلسی مشتمل بر چند نفر بزرگان معتمد ایران و یک نفر انگلیسی که او رئیس آن مجلس باشد و امورات گمرکات ایران و نظم قانونی با اختیار

مسنون شد و معرفت نهاد پدر و برادر  
نهادند و سرمه رفت از جمیع کارهای زیست و میرکار خصوصی نهاد  
بن کنون دزمت از قی دسته ده کرد و بیچاره میست و میرکار خصوصی نهاد  
خانه شوین از نهادن بین تقبیه پردازی باز نمود و آنها معرفت نهادند  
هر دزد با خسر فردا مسنه شسته بن دزد کشش شد و در شورهای پیش  
بیکش دهن کشت اصرار سخرا فشم شده دسته بزرگ که بعدست بزرگ  
بچشم دوس هم بذربختیان و از قی دیده کرد و دو کاره ای ایزد و ایزد میگرد  
هر یک کفر نکلند و معرفت نهادند و در نهادت چاکار از برق نهادند  
بردو نهادند و در نهادن ایوس و در نهادت همه نهادت نهادند و ایوس  
جاده راهیت نهادند و ایوس که ایوس هم یعنی در نهادند مترکز نهادند  
که از نهادن اصرار بذربختیانی داشت و معرفت نهادند و شدت نهادند  
ذوب کفر نهادند و معرفت نهادند و معرفت نهادند

آنها باشد که قرض دهنگان بدانند مدخل گمرکات تلف نمی‌شود و به ادای استقراض صرف خواهد شد، لهذا این مسئله را لازم دانستم بحضور مبارک عرض نمایم که اگر این وضع اسباب اطمینان تجار قرض دهنده شود بنظر حقیر بدینیست و خارج از وضعی که حالا هم حضرت اشرف اداره برای گمرکات فرموده‌اند خواهد بود، متنها این است یکنفر انگلیسی هم یکی از افراد و رئیس مجلس خواهد بود که در واقع نگاهبان دزدی دیگران هم خواهد بود البته خیال و رأی مبارک بالاتر از عقیده حقیر است ولی چون هر آن مایلم در باطن خدمتی محض رفاه حضرت اشرف نمایم این جسارتها را مینمایم، از آنطرف از قراریکه قبل از اینهم عرض کرده‌ام جترال گاردن در باب تصرفات گمرک خلیج فارس باشاره وزارت امور خارجه خودشان حرکت می‌نماید و الآن برای تصرف گمرکات، دولت انگلیس چنان تشنگاند که تمام دریای عمان را می‌خواهند بیاشامند و نه چنان حضرت اشرف آتش در جگر سوخته این تشنگان ریخته‌اند که هرگز فراموش نمایند والا حالا خود را صاحب و مالک تمام جنوب ایران می‌دانستند، قربانیت بروم آنقدر مایلم که در خدمت حضرت اشرف شب و روز بسریم که تحریری نیست و می‌خواهم هرآن هرچه از اینگونه مطالب بمبان آید آنچه می‌دانم و نمی‌توانم بنویسم عرض کنم و اسباب رفاه و آسودگی حضرت اشرف باشم ولی اطاعت حکم حضرت اشرف واجب و حالا صبر دارم تا اشاره فرمائید - زیاده جسارت است - فدوی ارادت کیش - حسنعلی،<sup>(۱)</sup> (سند شماره ۴۴)

گزارشی است از «نظر آقا یمعین‌السلطنه» وزیر مختار ایران در پاریس، کارشنکنی روسها و محظورات دولت فرانسه را از دادن وام بدولت ایران برای، «امین‌السلطان» توضیح داده است. «قربان حضور مبارک شوم - از قراریکه از اطراف و جوانب خبر می‌رسد معلوم می‌شود که حضرت اشرف اجل اکرم اعظم دریاب نگذشتن عمل استقراض از بنده رنجیده و بی التفات شده‌اند، و اگر این اخبار حقیقت داشته باشند معلوم است که به اشتباهکاری مدعیان است، در این صورت لازم است که برای رفع اشتباه و تبرئه ذمه مراتب را چنانکه در این مدت مديدة تلفراضاً و مکتوباً معروض شده است بازهم در این موقع عرض بکنم که از بدحال روسها مانع بوده‌اند و حالا هم مانع‌اند و نمی‌گذارند این استقراض صورت بگیرد والا اگر روسها مانع نبودند این کار در همان اوقات گذشته بود، بدیختانه روسها از اول گفته‌اند و حالا هم می‌گویند که گمرکات شمال در رهن آنها است! و اینرا

می خواست، می خواست که نهاد این هم می خواست و می خواست  
دشمنی را که نهاد می خواست با این هم می خواست و می خواست  
نهاد می خواست و از این هم نهاد می خواست و می خواست  
نهاد می خواست و می خواست و می خواست و می خواست  
نهاد می خواست و می خواست و می خواست و می خواست  
نهاد می خواست و می خواست و می خواست و می خواست  
نهاد می خواست و می خواست و می خواست و می خواست  
نهاد می خواست و می خواست و می خواست و می خواست

بـلـ حـدـثـتـ مـدـرـسـهـ اـلـكـارـ دـرـسـهـ عـدـيـهـ

سند شماره ۴۴ - نامه حستعلی تواب به امین‌السلطان درباره فرضه اول مظفرالدین شاه

لذت زنده دید و می خودید بی هنگام فریاد نمی شد  
در این هم مهدی کم در زندگانی خود را در می خورد  
که دخواست داشت از مردم این دستور را دریافت کرد  
برای همچنان که بزرگ شد و داشت این دستور را دریافت کرد  
علی‌الله علیه السلام و آن را در زندگانی خود می خورد

بگو و از خود نهایت پرستی می کرد و عذر نمود و داد  
سرمه ای امیر که از شش ساله بود و این سخن را در میان  
پسران بیان کرد که از خود نهایت پرستی می کرد و عذر نمود و داد  
حضرت شاهزاده در این کار فرموده که کجا نمی بینیم آنچه  
که از این اقدام در میان خانواده ای خوبی نداشت  
آنچه از این اقدام در میان خانواده ای خوبی نداشت  
حضرت شاهزاده در این کار فرموده که کجا نمی بینیم آنچه  
که از این اقدام در میان خانواده ای خوبی نداشت  
حضرت شاهزاده در این کار فرموده که کجا نمی بینیم آنچه  
که از این اقدام در میان خانواده ای خوبی نداشت

سند شماره ۴۴-نامه حکومی نواب درباره قرضه اول مظفرالدین شاه (قسمت دوم)